

حضرت پیامبر خدا درود و سلام خدا بر او و خاندانش باد فرمودند: "بی گمان من و شما مشغول (مورد سؤال) هستیم."

پس از تمام شدن ساعت کارمدرسه سمیه منتظر مادرش بود. اتاق های مدرسه بسته بودند و مدیرمدرسه و بعضی از معلم ها منتظر بودند (منتظر می بودند) که مدرسه از دانش آموزان خالی شود.

در این هنگام سمیه از یکی از اتاق ها صدای کولر را شنید و گمان کرد که دانش آموزان کلاس دیگر در زنگ تقویتی هستند یا فعالیتی آزاد انجام می دهند (قرین می کنند). وقتی بادقت نگاه کرد، دریافت (متوجه شد) که آن اتاق خالی و درش بسته است. پس نزد خانم مدیر مدرسه رفت و چیزی را که مشاهده کرده بود، به او خبر داد (نسبت به چیزی که مشاهده کرده بود او را آگاه ساخت). خانم مدیر از او تشکر کرد و از سمیه خواست که چراغ ها و کولر را خاموش کند.

در این هنگام خانم مدیر دانش آموزی به نام فاطمه دید. فاطمه برای بستن شیرآب که کمی باز مانده بود، می رفت (یا: می رفت که شیرآبی را که کمی باز مانده بود، ببندد).

در صبح روز بعد، در صف صبحگاهی خانم مدیر مدرسه از سمیه و فاطمه برای توجهشان نسبت به تأسیسات عمومی تشکر کرد.

در زنگ علوم اجتماعی رقیه بلند شد و از خانم معلم سؤال کرد: "منظور از تأسیسات عمومی چیست؟"

خانم معلم پاسخ داد: "آن ها محل هایی هستند که حکومت مالک آن هاست و تمام مردم از آن ها سود می برند. اگر مفهوم آن را متوجه شدی، برای ما مثال هایی برای تأسیسات عمومی بیان کن."

رقیه پاسخ داد: "مدرسه ها، تلفن های عمومی، بیمارستان ها، درمانگاه ها، موزه ها، کتابخانه ها، سرویس های بهداشتی،

بوستان های عمومی، درختان پیاده رو و ستون ها (تیرها) ی برق .."

خانم معلم پاسخ داد: "آفرین بر تو، و نگهداری از این تأسیسات بر هر شهروندی (هم وطنی) واجب است."

دانش آموزان با تعجب سؤال کردند: "چرا و چگونه؟! آن، تکلیف حکومت است."

خانم معلم گفت: "بلکه آن، مسؤولیتی همگانی است. سمیه که کولر و چراغ ها را خاموش کرد و فاطمه که شیرآب را بست و دانش آموزی که وارد کتابخانه ی مدرسه می شود و مراقب آرامش در آن و مراقب پاکیزگی کتاب ها و مرتب بودنشان می گردد (از آرامش در آن و .. مراقبت می کند)، و همان که با سخنی خوش به کسی که زباله ها را در غیرمکانش می ریزد نصیحت می کند، این ها به عنوان شهروندانی که احساس مسؤولیت می کنند به تکالیفشان عمل می نمایند."

سمیه بلند شد و گفت: "آیا نوشتن این حدیث بر تابلوی دیواری مناسب نیست؟ : "إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنْ الْبَقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ."

أمیرالمؤمنین علیه السلام. (قطعاً شما حتی در مورد قطعه های زمین و چارپایان مورد سؤالید.)"

خانم معلم پذیرفت و گفت: "این پیشنهاد، خوب است و همگی بر عمل کردن به این حدیث همیاری خواهیم کرد (به هم کمک خواهیم کرد)."

- أَحَسَنَتْ: آفرین برتو، فعل ماضی است اما به صورت فعلی ترجمه نمی شود.
- أَخْبَرَ: خبرداد، اطلاع داد، آگاه کرد، باخبر کرد = أَعْلَمَ، حروف اصلی: خ ب ر
- اصْطِفَافٌ صَبَاحِيٌّ: صف صبحگاه / -اصْطِفَافٍ: صف بستن / -صَبَاحٍ: صبحگاه
- أَطْفَأَ: خاموش کرد، حروف اصلی: ط ف ء
- أَعْمَدَةٌ: ستون ها، تیرها، مفرد: عَمُود
- أَغْلَقَ: بست ≠ فَتَحَ، حروف اصلی: غ ل ق
- اقْتَرَحَ: پیشنهاد، حروف اصلی: ق ر ح
- امْتَلَكَ: مالک شد، حروف اصلی: م ل ك
- انتَفَعَ: سود بُرد، حروف اصلی: ن ف ع -نَفَعَ: سود رساند
- تَعَاوَنَ: همیاری کرد، به کسی کمک کرد، حروف اصلی: ع و ن
- تَيَّارٌ: جریان (مثل جریان الکتریسیته)، مربوط به صفحه ی ۲۱ شماره ی ۶ از تمرین ۶
- حَافِظٌ: نگهداری کرد، مراقبت کرد، حروف اصلی: ح ف ظ
- حُجَرَاتٌ: اتاق ها، مفرد: حُجْرَةٌ / حُجَرَاتٌ = عُرفَات، عُرف حُجْرَةٌ = عُرفَةٌ
- حُرٌّ: آزاد، آزاده ≠ أُسِير جمع: أحرار
- حِصَّةٌ: زنگ درسی، قسمت، جمع: حِصَص
- دَوَامٌ: ساعت کار -دَوَامٌ مَدْرَسِيٌّ: ساعت کارمدرسه
- دَوْرَةُ المِیَاةِ: سرویس بهداشتی -مِیَاةٌ: آب ها، مفرد: ماء
- رَمَى: پرت کرد، انداخت = قَذَفَ، أَلْقَى
- فَرَعَ: خالی شد ≠ امْتَلَأَ
- قَامَ: برخاست ≠ قَعَدَ، جَلَسَ
- مَارَسَ: انجام داد، تمرین کرد، حروف اصلی: م ر س
- مَرَافِقٌ عَامَّةٌ: تأسیسات عمومی -مفرد: مَرَقِق -عامَّةٌ ≠ خاصَّة
- مُغْلَقٌ: بسته شده ≠ مَفْتُوح
- مُوَاطِنٌ: شهروند، هم میهن، هم وطن، مفرد است. جمع سالم: مُوَاطِنُونَ ، مُوَاطِنِينَ
- مَوَاطِنٌ: وطن ها، میهن ها، جمع مکسر است. مفرد: مَوَاطِن
- نَشَاطٌ: فَعَالِيَّت -نَشِيطٌ: فَعَالٍ

-نَصَحَ: پندداد، نصیحت کرد، حروف اصلی: ن ص ح

-هُدُوهُ: آرامش = سَكِينَةٌ -هادئ: آرام *تَوَجَّهَ: با هادی (به معنی هدایت کننده) اشتباه نشود.

-هاتف: تلفن، جمع: هَوَاتِف

ص. ۱۴: درك مطلب:

مطابق با متن درس درست و نادرست را مشخص کن:

- | | |
|--|--------|
| ۱. سمیه برای رفتن به منزل منتظر مادرش بود. | صحیح |
| ۲. خانم مدیر خودش برای خاموش کردن چراغ ها و کولر رفت. | نادرست |
| ۳. سمیه درمورد آن چه که دراتاق دید به خانم مدیر خبر داد. | صحیح |
| ۴. تأسیسات عمومی همان محل هایی هستند که مردم مالک آن ها هستند. | نادرست |
| ۵. خانم مدیر درصاف صبحگاه ازتمام دانش آموزان تشکر کرد. | نادرست |

والسلام
حقيقي